



واج شناسی و دیره‌شناسی پارسیک

به همراه زبان‌های خوشاوند ایرانی باحتری میازونو

فهرست

واج، تکواژ، دانش صداها و واج شناسی

دبیره‌ها و واج‌های پارسیگ

فرایندهای واجی پارسیگ

بن‌مایه‌ها و سرچشمه‌های نوشتار

واج یا واژ کوچکترین یگان بی‌معنای ناوابسته‌ی آوایی و آشکار زبان است که افزودن یا زدایش یا جایگزینیش در یک واژه می‌تواند معنای آن را دگرگون سازد. واج‌ها را برای نمایش در میان دو کج‌خط «//» جای می‌دهند. برای نمونه در واج‌نویسی واژه «کار» داریم: اک، ا، ر. که اگر بجای واج اک/ از اد/ بهره‌جوییم واژه می‌شود «دار» اد، ا، ر که معنایش با واژه پیشین یکی نیست. خویشکاری (توظیفه) بنیادین واج، جداسازی یگان‌های گفتاری از یکدیگر و ساخت ناهمسانی میان معنی‌های یگان‌های گفتاری است و می‌توان گفت از پیوستن و آمیختن واج‌ها به یکدیگر یا از آمیزش یگان‌ها و کالبدهای آوایی با یگان‌ها و کالبدهای معنایی، سامانه ارتباط یا همان زبان ساخته می‌شود. واج‌ها به دو دسته «واکه» یا مصوت و «همخوان» یا صامت بخش می‌شوند.^۳

گوشد: واج‌ها همواره با نمادهای الفبایی یا همان وات‌ها (:حروف) از دید شمار یکسان نیستند. برای نمونه در خط امروزی فارسی ما برای واج اس/ سه نماد الفبایی «س»، «ث» و «ص» داریم؛ این در زمانی است که برای واج‌های /س/ (کوتاه)، /س̄/ (بلند)، /ف/ (در گویش ایرانی و تاجیکی)، /و/ (در گویش خراسانی و گویش‌های فارسی-کردی و لهجه فارسی کرمانشاهی)، /و̄/ (کوتاه) و /و̄/ (بلند) تنها یک نماد که آن هم «و» است، بکار گرفته می‌شود. در فارسی نو ۳۲ نماد الفبایی داریم ولی شمار واج‌ها از ۲۹ تا ۳۳ نوسان دارد.

واکه‌ها به چندین گروه رده‌بندی می‌شوند که برپایه شیوه الفبای آوانگاری آندرزوندشانی (بین‌المللی) این چنین اند:

	پیش	پیش‌وش	مرکزی	پشت‌وش	پشت
بسته	i . y		i . ɨ		ɯ . u
بسته‌وش		ɪ . ʏ	ĩ . ü		ũ . u
بسته-میانه	e . ø		ə . ɘ		ɤ . o
میانه		e̞ . ø̞	ə̞ . ɘ̞		ɤ̞ . o̞
باز-بسته		ɛ . œ		ɜ . ɞ	ʌ . ɔ
باز‌وش		æ .		ɐ . ɐ̃	
باز		a . ɶ		ä . ö	a . ɒ

زیگواره الگوها و رده‌های واکه‌ها در زبانشناسی

¹ Phoneme

² Vowel

³ Consonant

^۴ واژاک (اصطلاح) گویش خراسانی به گویش‌های خراسان ایران و گویش و لهجه‌های پرشمار در کشور افغانستان در اینجا بکار بسته شده است. در افغانستان و نیز برخی از گوشته‌ها (نواحی) ایران واو به گونه تهران، **واگفته نمی‌شود** بلکه همچون زبان‌های کردی، بلوچی و پشتو آن را /w/ می‌خوانند. از اینرو با شیوه ایرانی-تهرانی یکسان نیست. همین واگویش (تلفظ) برانگیزنده این دیدمان (تئوری) در میان زبانشناسان ایرانی میانه است که در آغاز در زبان پارسیگ واج /و/ بوده و سپس در گذر زمان به /ف/ دگرگونی یافته است. لیکن این دیدمان نیز همیستاران (مخالفان) ویژه بخودی دارد که در همین نیژه (جزوه) بدان پراخته شده است. (phl_parsig)

^۵ کردی زبانی جدای از فارسی نو ولی همخانواده با آن است. در اینجا لهجه‌ها و گویش‌های رایج فارسی کنونی در کردستان‌های ایران، ایراک، (عراق)، سوریه و ترکیه مورد بحث است.

^۶ فارسی کرمانشاهی یکی از گویش‌های زیبای فارسی است که در شهر کرمانشاه بدان سخن گفته می‌شود. در این گویش برخی از ویژگی‌های زبان کردی و فارسی چنان با همدیگر بیامیخته که شیوه‌ای نوینی در صرف کارواژگان و واژگان را پدید آورده است.

⁷ International Phonetic Alphabet (IPA) [International → Inter: اندر || nation (طایفه) → Lat: gnatus: (قبیله)]

همخوان‌ها بسته به جایی که در دستگاه صداساز آدمی ساخته می‌شوند به چندین رده زیر رده‌بندی می‌شوند:

همخوان‌ها از دید آوانگاری اندرزنشانی (همخوان‌های ششی)														
→ جایگاه ↓ رفتار	لیبی			افسری (تاجی)				پشتی				خشکنایی		
	دو-لیبی	لیبی- دندانی	زبانی- لیبی	دندانی	لثوی (آرچی)	کامی- آرچی	واروخم	آرچی- کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازهای	نای گلوبی	برجاکنایی	چاکنایی
دماغی (نشانی)	m̥ m	ɱ	ɳ	ɳ̥ ɳ	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥	ŋ̥ ɳ̥		
انسدادی (ایستایی)	p̥ b̥	p̥ b̥	t̥ d̥	t̥ d̥	t̥ d̥	t̥ d̥	t̥ d̥	c̥ ɟ̥	k̥ g̥	q̥ ɣ̥		ʔ	ʔ	
صفیری-انسایشی				ts dz	tʃ dʒ	tʃ dʒ	tʃ dʒ							
غیر-صفیری-انسایشی	p̥ɸ b̥β	p̥f b̥v	t̥θ d̥ð	t̥ʃ d̥ʒ	t̥ʃ d̥ʒ	t̥ʃ d̥ʒ		c̥ç ɟ̥j	k̥x ɡ̥y	q̥χ		ʔh	ʔh	
صفیری-سایشی				s z	ʃ ʒ	ʃ ʒ	ʃ ʒ							
غیر-صفیری-سایشی	ɸ β	f v	θ ð	θ ð	θ ð	θ ð	θ ð	ç ʝ	x ɣ	χ ʁ	h ʕ	ʕ	h ɦ	
ناسوده (آفرزوند)		ɸ ʋ			ʃ ʒ	ʃ ʒ	ʃ ʒ	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥			ʔ	
زئیشی	v̥	v̥	ʃ̥	ʃ̥	ʃ̥	ʃ̥	ʃ̥			ʃ̥		ʃ̥	ʃ̥	
لرزشی	β̥	β̥	ʀ̥	ʀ̥	ʀ̥	ʀ̥	ʀ̥			ʀ̥		ʀ̥	ʀ̥	
کناری-انسایشی				tʃ̥ dʒ̥	tʃ̥ dʒ̥	tʃ̥ dʒ̥	tʃ̥ dʒ̥	c̥ʃ̥	k̥ç̥	g̥ʁ̥				
کناری-سایشی				ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥				
کناری-ناسوده (آفرمند)				ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥				
کناری زئیشی					ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥	ʃ̥ ʒ̥				

زیگواره ۲ الگوها و رده‌های همخوان‌های رواند ششی

تکواژ از بهم پیوستن چندین واج ساخته می‌شوند. تکواژها دارای کاربری دستوری و معنای آزاد و ناوابسته هستند. تکواژها را نمی‌توان به پاره‌ها و یگان‌های کوچکتر دستوری بخش نمود. برای نشان دادن تکواژها از دواپروها «{}» بهره‌جویی می‌شود. برای نمونه در واژه «نمکدان» داریم: {نمک}+{دان}. تکواژها به دو دسته «آزاد» و «وابسته» رده‌بندی می‌شوند.

دانش صداها یا واج‌شناسی یکی از شاخه‌های زبان‌شناختی است که بررسی سامانه آوایی و صداشناختی زبان می‌پردازد. در این زمینه از دانش زبان‌شناسی به جستارهایی همچون آوا، واج، بخش (هجاء)، گام، تکواژ، تکیه، آهنگ، رکن و وزن شعر پرداخته می‌شود.^۷

- 1 Morpheme
- 2 Phonology
- 3 Phone
- 4 Syllable
- 5 Stress
- 6 Rime
- 7 Metre

دبیره‌ها و واج‌های پارسیگ

زبان پارسیگ یکی از زبان‌های ایرانی میانه است که از آغاز پیدایشش تا روزگار مرگش، به دیسه‌ها و گونه‌های متفاوتی نگاشته شده است. نخستین نگاه‌ها بدین زبان به خط یا دبیره پارسیگ سنگنبشته‌ای یا دست‌نویس دبیره بوده است. این خط برگرفته از دبیره آرامی شاهنشاهی بوده که دست‌کم در زمان اردوآن پنجم اشکانی ساخته شده است. این دبیره در سنگنبشته‌ها و سکه‌های ساسانی بکار برده می‌شده است. زیگ (جدول) زیر از چند و چون و برابری آن دبیره سخن می‌گوید:

شماره	آرامی شاهنشاهی	پهلوانیگ سنگنبشته‌ای	پارسیگ سنگنبشته‌ای	برابر فارسی	ترادبیرش لاتین
۱	𐎠	𐎠	𐎠	ا (آپ/آلیپ)	a, ʾ, ʔ, ɔ
۲	𐎡	𐎡	𐎡	ب (بت/بث)	b
۳	𐎢	𐎢	𐎢	گ (گیمل)	g
۴	𐎣	𐎣	𐎣	د (دالت)	d
۵	𐎤	𐎤	𐎤	ه (هی/هه)	h
۶	𐎥	𐎥	𐎥	و (واو)	w
۷	𐎦	𐎦	𐎦	ز (زاین)	z
۸	𐎧	𐎧	𐎧	ح، خ (حت/حث)	ḥ
۹	𐎨	𐎨	𐎨	ط (طت/طث)	ṭ
۱۰	𐎩	𐎩	𐎩	ی (یوذا/یذ)	y
۱۱	𐎪	𐎪	𐎪	ک (کاپ/کاف)	k
۱۲	𐎫	𐎫	𐎫	ل (لامذ)	l
۱۳	𐎬	𐎬	𐎬	م (مم)	m
۱۴	𐎭	𐎭	𐎭	ن (نون)	n
۱۵	𐎮	𐎮	𐎮	س (سامخ)	s
۱۶	𐎯	𐎯	𐎯	ع (عین)	ʿ, ʔ
۱۷	𐎰	𐎰	𐎰	ف، پ (په/پی)	p
۱۸	𐎱	𐎱	𐎱	ص، چ (صاذه/صاذی)	ṣ, c, č
۱۹	𐎲	𐎲	𐎲	ق (قوپ، قُپ، قُف)	q
۲۰	𐎳	𐎳	𐎳	ر (رش)	r
۲۱	𐎴	𐎴	𐎴	ش (شین)	š
۲۲	𐎵	𐎵	𐎵	ت (تاو)	t

زیگ ۱ دبیره‌های آرامی شاهنشاهی، پهلوانیگ و پارسیگ سنگنبشته‌ای

۱ واژه خط تازی شده واژه گنا است. در نوشته‌های پازند این واژه بگونه katā (𐎠𐎡𐎴) یادداشت شده؛ لیکن گروهی از زبان‌شناسان بر این باورند که این واژه پازندی نیز ریشه‌ای از زبان آرامی به دیسه xotā (𐎠𐎴𐎡). برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: واژه‌های فارسی عربی شده؛ السیدادی شیر؛ ترجمه حمید طیبیان؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران (۱۳۸۶)؛ رویه: ۸۷.

۲ واژه دست‌نویس دبیره (dastnibēg dabire) برگرفته از نوشته‌ها و سنگنبشته‌های ساسانیان است. ایشان به سنگنبشته یا کتیبه واژه دست‌نویس (dastnibēg) می‌نهادند. (نک ← سنگنبشته‌ی شاهپور یکم ساسانی بر کعبه زرتشت)

۳ بیشتر دبیره‌های ایرانی از دبیره‌ی آرامی شاهنشاهی یا Imperial Aramaic بوده‌اند زیرا دبیران و سردبیران دیوان‌ها و دربارهای شاهان ایرانی را آرامیان تشکیل داده بودند. ریشه‌ی بودن آرامی‌ها در دربار و دیوان شاهان ایرانی از روزگار هخامنشیان ریشه دارد؛ زیرا ایشان در کارهای دیوانی و دبیری در زمانه خودشان بی‌همتا بوده‌اند. یکی دیگر از انگیزه‌های بکارگیری این الفبا بعنوان الفبای مادری زبان‌های ایرانی؛ این است که زبان آرامی بسیار آسان و بی‌پیرایه نسبت به دیگر زبان‌های باشنده در خاورمیانه بوده و همین منجر به پیدایش زبان اندرزدنشانی (بین‌المللی) خاورمیانه شد. از اینرو الفبای آرامی‌ها به همراه زبانشان در میان نژادها و تیره‌های باشنده در خاورمیانه نقش زبان میانجی را بازی کرد و تا روزگار پیش-اسلامی زبان بسیار ارزشمندی بشمار می‌رفته است.

دومین شیوه‌ی نگارش پرسیگ پارسامد پرسیگ، شیوه نیبگی یا نسکی آن است که به نیبگی دبیره نامور است. این دبیره از ساده‌سازی دبیره‌ی دست نیبگی پدید آمده که بسیار آسان‌تر است ولی مانستگی در وات‌های الفبا منجر به دشواری در خواندن می‌گردد. این دبیره وارون دبیره‌های پیشین که همگی از آغاز نوشتن در ایران که جدا نویس بوده‌اند؛ پیوسته است و مانند الفبای کنونی فارسی که هر وات‌ی در هنگام چسبیدن به وات پیشین و پسینش دچار دگرگونی شکل می‌شود؛ دارای وات‌های دگردیسنده است. برای نمونه در الفبای کنونی برای وات «غ» دیسه‌های غ ، غغ، غ و غ وجود دارد که همین برای نوآموزان دبیره کار را بسیار سخت می‌سازد. زیگ-۲ به بررسی استش جدای وات‌ها و زیگ‌های ۳ و ۴ به استش پیوسته وات‌ها می‌پردازد.

شماره	پرسیگ سنگنبشته‌ای	پرسیگ نسکی	برابر فارسی	ترادبیرش لاتین
۱	𐎠	𐎡	ا (آپ/آبپ)	a, ʾ, ʔ, d
۲	𐎡	𐎢	ب (بت/بث)	b
۳	𐎢	𐎣, 𐎤	گ (گبیل)	g
۴	𐎣	𐎥, 𐎦	د (دالت)	d
۵	𐎤	𐎡	هه (هی/هه)	h
۶	𐎥	𐎠	و (واو)	w
۷	𐎦	𐎧	ز (زاین)	z
۸	𐎧	𐎨	ح، خ (حت/حث)	h, H
۹	𐎨	-	ط (طت، طث)	ṭ
۱۰	𐎩	𐎪, 𐎫	ی (یوڈ/یڈ)	y
۱۱	𐎪	𐎬, 𐎭	ک (کاپ/کاف)	k
۱۲	𐎫	𐎮, 𐎯 ^(۲) , 𐎰	ل (لامد)	l
۱۳	𐎬	𐎱	م (مم)	m
۱۴	𐎭	𐎠	ن (نون)	n
۱۵	𐎮	𐎲	س (سامخ)	s
۱۶	𐎯	𐎠	ع (عین)	ʿ, ʔ
۱۷	𐎰	𐎳	ف، پ (په/پی)	p
۱۸	𐎱	𐎴	ص، چ (صاذه/صاذی)	ṣ, c, č
۱۹	𐎲	𐎱	ق (قوپ، قپ، قف)	q, Q
۲۰	𐎳	𐎠	ر (رش)	r
۲۱	𐎴	𐎵	ش (شین)	š

^۱ نیبگی (nibēg) و نسک (nask) برابره‌ای پرسیگ برای کتاب هستند.

^۲ زبان‌شناسان و دبیره‌شناسان این وات را گونه‌ای از لام می‌دانند که ارزش آوایی آن /l/ بوده است و با نماد لاتینی ṭ نشان می‌دهندش.

۲۲	ز	م	ت (تاو)	t
----	---	---	---------	---

زیگ ۲ استغش الفباهای پارسیگ نسکی (استش جداگانه) و سنگنشته‌ای

و دیسه‌های پیوستگی وات‌ها:

←	ر	ا	و	ل	ق	م
س	سر	س	سو	سز , سز	س	س
د	در	د	دو	دز , دز	د	د
س	کر	ک	کو	کز , کز	ک	ک
ل	لر	ل	لو	لز , لز	ل	ل
ح	حز	ح	حو	حز	ح	ح
و	وَر	و	وو	وَرز , وَرز	و	و
س	سز	س	سو	سز , سز	س	س

زیگ ۳ دیسه‌های پیوستگی وات‌ها

↓	س	و	س	ل	ح	و	س
س	سز	وَر	سز	لر	حز	وَر	سز
د	سز , سد	وَر , و	سز , و	لر	حز	وَر , و	سز
س	سز	وَر	سز	لر	حز	وَر	سز
ل	سز , سل	وَر , و	سز , و	لر	حز	وَر , و	سز
ح	سز	وَر	سز	لر	حز	وَر	سز
و	سز , و	وَر , و	سز , و	لر , و	حز , و	وَر , و	سز
س	سز	وَر	سز	لر	حز	وَر	سز

زیگ ۴ دیسه‌های پیوستگی وات‌های چسبان

چند گوشزد درباره این دو خط گفته شده:

الف: هُزوارِش (uzwārišn) :

گفتیم که بیشتر دبیران دیوان‌ها و دربارهای ایرانی، آرامی یا آرامی زبان بودند؛ پس بدیهی است که نوشته‌های دیوانی را به زبان خودشان یا همان آرامی بنویسند. ولی از آنجا که بایستی به زبان پارسیگ برای درباریان آن را می‌گفتند؛ پس واژگان را به زبان خودشان (آرامی) می‌نوشتند و به زبان دربار (پارسیگ) در دم ترجمه می‌کردند. برای نمونه می‌نوشتند **مَلکا (MLKA)** و می‌خواندند **شاه (šāh)** یا **لَحما (LHMA)** و می‌گفتند **گوشت (gōšt)**. هزوارش چیز نادری در زبان‌های ایرانی میانه نیست؛ بیشتر نوشته‌های روی سنگ‌ها و سکه‌های ایرانی در روزگار اشکانی و ساسانی دارای هزوارش هستند. واژه هزوارش از **اُزوارِشَن (uzwārišn)** به معنای فهم و درک گرفته شده است. هزوارش‌ها در نوشته‌های

^۱ از کارواژه uzwārdan و ستاک کنون uzwār- به معنای دانستن و فهمیدن؛ برگرفته شده است.

آغازین ساسانی بسیار بکار رفته‌اند زیرا دبیران بیشتر آرامی زبان بودند ولی با گذر زمان از بکاربردن آن‌ها بدست دبیران ایرانی زبان خودداری شده‌اند. در زیگ زیر (زیگ ۵) شماری از هزارش‌های نوشته‌های نسکی پارسیگ آمده است:

واژه آرامی-عبرانی	واژه هزارشی پارسیگ	واژه پارسیگ	همیشه عربی واژه آرامی	معنای فارسی
גמלא (gamlā')	GMRA	uštar	جَمَل	شتر
לכין (lkēn)	LK	tō	کَم ، کَن	تو
שָׁתָא (šəṭā)	ŠTA	šaš	سَته	شش
מְדִינָתָא (məḏīntā)	MDYNA	šahrestān	مدینه	شهرستان
לַיְלָיָא (lēlayā)	LYLYA	šab	لیل	شب
שָׁנָתָא (šantā)	ŠNT	sāl	سنة	سال
תורא (tawrā)	TWRA	gāw	ثور	گاو
מחר (mħar)	MHR	fradāg	-	فردا
הֶנָּה (héna)	HNA	ēd	هنا	ایدر ، اینجا
שִׁידָא (šēḏā)	ŠDYA	dēw	-	دیو ، شیدا

زیگ ۵ هزارش‌ها

ب: املای تاریخی و تاریخی‌واره :

با گذشت زمان شیوه واگوش (تلفظ) واژگان یک زبان دچار دگرگونی می‌شود. این دگرگونی‌ها گاهی به اندازه‌ایست که اگر شیوه‌ها و فرایندهای واجی را کسی نداند؛ شگفت آور است. یکی از ابزارهای ایستایش دگرگونی و پویایی زبان، نوشتن و خط است. برای نمونه در همین زبان فارسی واج /ذ/ به گونه /ذ/ ادا می‌شده است و با گذشت زمان به /ز/ دگرگونی یافته است. پس داشتن املای تاریخی در میان نوشته‌های کهن نیز چیز تازه‌ای نیست. ریشه‌ی این املاها به واگوش‌های نخستین زبان پارسیگ در زمان اشکانی یا اردشیر بابکان برمی‌گردد و با گذر زمان این شیوه واگوش‌ها آنچنان دچار دگرگونی شده است که گاهی کار را با دشواری‌های بسیاری روبرو می‌سازد. برای نمونه در نوشته‌های پارسیگ واژه گاه به گونه g's نوشته شده ولی gāh خوانده می‌شده یا واژه بودن به دیسه‌ی ¹bwtn نوشته و būdan خوانده می‌شده است. باری بسیاری از زبان‌شناسان بر واگوش به سبک دیسه کهن تر پارسیگ پافشاری می‌کنند که نادرست است زیرا زمان فرگشت پارسیگ از پسا-اشکانی گذشته بوده و دیگر بمانند پهلوانیک دارای واگوش‌های کهن و باستانی ایرانی نبوده است. همچنین در نوشته‌های یافت شده از جای جای ایران بزرگ، شیوه‌های املا نیز ناهمگون است و این گواهی است بر باشندگی لهجه‌ها و گویش‌های گوناگونی از این زبان در آن روزگار. به این شیوه‌ای که از آن در اینجا یاد شد، املای تاریخی یا نگارش تاریخی می‌گویند.

همانگونه که زیگ‌ها و شیوه‌های پیوستن واژه‌های الفبای دبیره‌ی نسکی را نگرستید، به ناکارآمدی این خط در ادا و ثبت آواها پی بردید. املای این دبیره بگونه‌ایست که نمایانگر دیسه‌ی واگفته‌ی کهن تر واژگان نیست؛ بلکه در سنجش به واژگان دیگر که املای تاریخی دارند، نگاهشده‌اند. برای نمونه واژه بزرگ در این خط به گونه‌ی wč(w)lg نوشته شده است. لیکن هنگامی که سنگنبشته‌های هخامنشی که زبان مادر آنست را مورد پژوهش قرار می‌دهیم، می‌بینیم در گذشته واج /چ/ بجای /ز/ نبوده؛ زیرا دیسه‌ی پارسی باستان آن واژه vazrka است و بایستی در اینجا وات č را برابر واج /ز/ در آوانویسی واژه یادشده بگیریم. چرایی و انگیزه چنین کاری در نوشتن و املای این واژگان سنجیدن و قیاس دبیران دانسته شده است. برای نمونه در واژه از در این زبان به دیسه hč نوشته و az واگفته شده است که از پارسی باستان hačā به همین معنای کنونی برگرفته شده است. پس این فرایند واجی که هرکجا /چ/ بوده به /ز/ دگرگونی یافته در میان دبیران روایی یافت و اینچنین املایی با نام املای تاریخی‌واره یا نگارش دروغین تاریخی پدید آمده است.

¹ Historical writing

² Pseudo-historical writing

^۲ یکی از گواهان این دیدمان (نظریه) که این واژگان از واگوش‌های باستانی بیرون آمده و به واگوش‌های زبان‌های ایرانی نمانسته شده‌اند، نوشته‌های بدون هزارش مانویان به خط مانوی است. در این خط که در رویه‌های آینه‌به بررسی‌اش پرداخته می‌شود، دارای نمادها و واژه‌های بیشتر و بهتری نسبت به پارسیگ نسکی بوده و می‌توانسته واژگان را همانگونه که واگفته می‌شده است؛ یادداشت نماید.

ج: ترادبیرش و ترانویسش :

ترادبیرش برگردان یکایک وات‌های الفبایی واژگان با الفبای قراردادی لاتینی است؛ بی‌آنکه به شیوه‌های املائی تاریخی و تاریخی‌واره بدون نگرش به واگوش درست واژه است. ترانویسش، نوشتن واگوش درست واژه بدون نگرش به املاهای تاریخی و تاریخی‌واره واژگان با الفبای قراردادی لاتینی است. ترادبیرش واژگان هزوارشی در نوشتار همواره بگونه وات‌های بزرگ و واژگان ناهزوارشی به‌دیسسه وات‌های کوچک انجام می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های مشابه خط زبان فارسی با پارسیگ که برای نوآموزان فارسی زبان وجود دارد، نبود نمادهایی برای ثبت آواها و واکه‌های کوتاه مانند ا است. برای نمونه واژه «که» بگونه kh ترادبیرش می‌شود ولی می‌تواند به دیسه‌های kah, keh, koh, kē و ke ترانویسش شود. ترانویسش با نگرش به دیسه‌های باستانی و فارسی نو واژگان و با سنجش نوشتارهای مانویان که در آن‌ها املائی تاریخی تقریباً بکارگرفته نشده، انجام می‌گیرد.

د: دیسه‌های وات‌های دگرگون شده :

برخی از وات‌های خط پارسیگ نسکی در طی نگارش و نوشتن‌های پیاپی و برای آسان‌تر شدن در برخی واژگان دچار دگرگونی ریخت و دیسه استاندارد و همیشگی آن وات می‌شوند. برای نمونه گاهی وات Z در برخی واژگان به گونه d نوشته می‌شود که در هنگام ترادبیرش آن وات را به گونه Z (با خطی در زیر آن) یادداشت می‌شود. در زیگ زیر (زیگ ۶) برخی این دیسه‌های دگرگون شده آمده‌اند:

نمونه	ترادبیرش	وات درست	وات دیده شده
'pyb='b̄y (abē)	ȳ	y	b
hwslwd=hwslwb (huasraw)	B, b	B, b	g, d, y
dmst'n=z̄mst'n (zamestān)	Z, z	Z, z	g, d, y
mynwy=mynw̄k (mēnōg)	K, k	K, k	g, d, y
DZLWNtn'=DBLWNtn' (nīdan)	Ġ, D, Y, B	G, D, Y, B	Z, z
'c='p̄ (āb)	P, p	P, p	C, c
ŠTWNtn'=ŠDRWNtn' (frēstīdan)	DR	DR	T, t

زیگ ۶

استاد مک کنزی نخستین کسی بود که این شیوه را برای ترادبیرش نوشته‌های پارسیگ بکار بست. وی این شیوه را پیشرفت داد و دیسه‌های پیچیده‌تر این خط را رمزگشایی کند. برخی از این رمزگشایی در زیگ زیر گنجانیده شده‌اند:

دیسه‌ی راستین به خط پارسیگ	رمزگشایی مک کنزی	وات درست	وات دیده شده
𐭮	BYN	BYN	DYN
𐭮	-yt = (-it)	-ty	-

زیگ ۷

ه: نشانه‌گذاری‌های وات‌های دبیره نسکی پارسیگ:

¹ Transliteration

² Transcription

³ Capital letters, Majuscules

⁴ Small letters, Minuscles

⁵ در برخی از وات‌ها، خط تیره بالای آن جای می‌گیرد. مانند p و y.

در واپسین نوشته‌های پارسیگ بازمانده روزگار اسلامی، برخی از دبیران برای آسانتر شدن خواندن نوشته‌ها از نشانه‌هایی همچون و .. در زیر و زیر برخی وات‌های الفبای پارسیگ نهاده شده است. سیاهه برخی از این نشانه‌های سجاوندی در زیر گنجانده شده‌اند:

نشانه	کاربرد	معنا
-	ج / ج	ج
-	ی	ی
-	گ	گ
-	د	د

زیگ ۸ نشانه‌های سجاوندی پارسیگ نسکی

سومین خط نگارش زبان پارسیگ، دبیره زبوری است. این دبیره ویژه‌ی هازمان ترسایی (جامعه عیسوی) ایران در زمان ساسانیان بوده است. در ترجمه‌ای از زبور اشو (حضرت) داوود که در باختر چین یافت شده؛ این خط دیده شده است. این دبیره نسبت به دبیره نسکی پارسیگ بهتر بوده و دارای نمادهای الفبایی بیشتر است. این دبیره نیز مانند پارسیگ نسکی پیوستگی واتی دارد و خواندن آن با دشواری‌های ویژه بخودی همراه است. در زیگ ۹، دبیره زبوری به همراه نسکی آمده است.

شماره	پارسیگ نسکی	پارسیگ زبوری	برابر فارسی	ترادبیرش لاتین
۱	ا	ا	ا (آپ/آپ)	a, ' , ʔ, d
۲	ب	ب	ب (بت/بث)	b
۳	گ , و	گ	گ (گیمِل)	g
۴	د , و	د	د (دالت)	d
۵	ه	ه	ه (هی/هه)	h
۶	و	و	و (واو)	w
۷	ز	ز	ز (زاین)	z
۸	ح	ح	ح ، خ (جت/حت)	h, H
۹	-	-	ط (طت، طث)	t
۱۰	ی , و	ی	ی (یوذا/یذ)	y
۱۱	ک , و	ک	ک (کاپ/کاف)	k
۱۲	ل , ۳ , ۴	ل	ل (لامذ)	l
۱۳	م	م	م (مم)	m
۱۴	ن	ن	ن (نون)	n
۱۵	س	س	س (سامخ)	s
۱۶	ع	ع	ع (عین)	' , ʔ

p	ف، پ (په/پی)	ه	ه	۱۷
ş, c, č	ص، چ (صاذه/ صاذی)	ع	ع	۱۸
q, Q	ق (قوپ، قُپ، قُف)	ق	ق	۱۹
r	ر (رِش)	ر	ر	۲۰
š	ش (شین)	ش	ش	۲۱
t	ت (تاو)	ت	ت	۲۲

زیگ ۹ دبیره‌های پارسیگ نسکی و زبوری

چهارمین دبیره پرکاربرد در میان پارسیگ زبانان که ارزش ویژه‌ای نزد زبانشناسان دارد، **دبیره مانوی** است. این دبیره وارون دبیره‌های همتایش از هزارش‌ها و املاهای تاریخی و تاریخی‌واره اندکی برخوردار است. این ویژگی سبب نگرش خاصی به ترانویسش پارسیگ گشته است و پس از چاپ فرهنگ *فشرده‌ی پهلوی* استاد مک‌کنزی با گرایش به واگوشش مانوی و فارسی نو آغازین، این نگرش با پذیرفتگی بسیار بالایی در میان پارسیگ‌دانان روبرو شد. این دبیره وارون دبیره‌های پیشتر ایرانی میانه که از دبیره آرامی منشأ دارند، ریشه‌ای از خط سریانی دارد. برپایه نوشته‌های خود مانویان؛ مانی، پیشوای بزرگشان این دبیره را ساخت تا با آن بتواند نسک‌ها و نیسیگ‌های خویش را بنویسد. این دبیره مانند دبیره نسکی پارسیگ پیوسته است و مانویان همواره با خطی خوش و خوشنویسی ویژه‌ای آن را می‌نوشتند.

شماره	سریانی	مانوی	برابر فارسی	ترادبیرش لاتین
۱	ا	ا	ا (آپ/ آلیپ)	a, ' , ʔ, ɔ
۲	ب	ب	ب (بت/ بٹ)	b
۳	ف	ف	ف	β
۴	گ	گ	گ (گیمل)	g
۵	غ	غ	غ	γ
۶	د	د	د (دالت)	d
۷	هه	هه	هه (هی/ هه)	h
۸	و	و	و (واو)	w
۹	-	ا	او	u (w)
۱۰	ز	ز	ز (زاین)	z
۱۱	ژ	ژ	ژ (ژاین)	ž
۱۲	-	ج	ج	ǰ
۱۳	ح	ح	ح، خ (حت/ حٹ)	ḥ
۱۴	ط	ط	ط (طٹ، طٹ)	ṭ
۱۵	ی	ی	ی (یؤذ/ یؤذ)	y
۱۶	ک	ک	ک (کاپ/ کاف)	k

¹ A Concise Pahlavi Dictionary

^۲ این وات پیشتر در الفبای فارسی نو آغازین بوده است؛ لیکن به مرور زمان جایش را به «ف» و «و» داده است. گروهی به نادرستی این وات منسوخ‌شده‌ی فارسی نو را برگرفته از کردی می‌دانند ولی این وات دارای صدای واجی /β/ بوده است نه /ʋ/.

x	خ، ح (خاف)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹	𐎧	۱۷
q̄	ق (قاف)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠	-	۱۸
l	ل (لامذ)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠	𐎠	۱۹
δ	ذ	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۰
δδ	ذذ	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡𐎡	𐎡𐎡	۲۱
m	م (مم)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۲
n	ن (نون)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۳
s	س (سامخ)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۴
ʿ, ʔ	ع (عین)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۵
p	پ (په/پی)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۶
f	ف (فه/فی)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۷
č	ص، چ (صاذه/ صادی)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۲۸
čy	چی	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡𐎠	-	۲۹
čn	چن	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡𐎠	-	۳۰
q, k, g	ق (قوب، قُپ، قُف)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۳۱
r	ر (رش)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۳۲
s	س (سین)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	-	۳۳
š	ش (شین)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۳۴
t	ت (تاو)	𐎧𐎫𐎷𐎡𐎹𐎠𐎡	𐎡	۳۵

زیگ ۱۰ دبیره مانوی

پنجمین خط بسیار ارزشمند برای نوشته‌های دینی پارسیگ، بویژه نوشته‌های زرتشتیان، **دبیره اوستایی** یا **دین دبیره** است. این الفبا بدست موبدان دربار ساسانی از روی دبیره‌های سنگنشته‌ای، نسکی، زبوری پارسیگ و برخی از نویسه‌های زبان‌های دیگر همچون یونانی در زمان شاهپور ساسانی ساخته شد. این دبیره کامل‌ترین دبیره در نوع خود برای زبان‌های ایرانی میانه باختری است و جداگانه از هم نوشته می‌شود. دین دبیره همه واکه‌ها و همخوان‌های پارسیگ را پشتیبانی می‌کند و برپایه همین ویژگی‌ها، آن را بعنوان الفبای آواشناختی برای نوشته‌های پارسیگ انتخاب کرد. نوشته‌های آواشناختی پارسیگ با نام پازند شناخته می‌شوند؛ زیرا دبیره نسکی همواره دارای کژتابی در خواندن است ولی دین دبیره برای هر واجی، یک نماد الفبایی دارد. واکه‌های دبیره‌های اوستایی:

شماره	اوستایی	برابر لاتین	برابر فارسی
۱	𐎠	a	اَ
۲	𐎡	ā	آ
۳	𐎢	e	اِ
۴	𐎣	ē	اِ (کشیده)
۵	𐎤	ə	صدای شوا، در گیلکی بکاربرده می‌شود، مانند: رشت (رشت)
۶	𐎥	ē	شوای کشیده
۷	𐎦	o	اُ
۸	𐎧	ō	اُ (کشیده)
۹	𐎨	i	ای/ئی، مانند نمیآید

ای / ائی (کشیده)	ī	پ	۱۰
او ، مانند شکوه (šukūh)	u	د	۱۱
او (کشیده)	ū	ف	۱۲
آن ؛ هر دو واج‌ها تو دماغی ، مانند واژه <i>maman</i> و <i>Jean</i> در فرانسوی	â	چ	۱۳
آن ؛ هر دو واج‌ها تو دماغی ، مانند واژه <i>maman</i> و <i>Jean</i> در فرانسوی	a	ح	۱۴
اُو ؛ آواها در کاواک دهان می‌پیچید ، مانند واژه <i>voll</i> در آلمانی	â	س	۱۵
اُو ؛ آواها در کاواک دهان می‌پیچید ، مانند واژه <i>voll</i> در آلمانی	â	ع	۱۶

زیگ ۱۱

همخوان‌های دبیره‌ی اوستایی :

شماره	اوستایی	برابر لاتین	برابر فارسی
۱	و	k	ک
۲	د	x	خ
۳	س	ǰ (h)	صدای میان ش و خ (مانند واگوش چوره‌ک - Çörək در ترکی آذری)
۴	س	x ^w (x ^v)	خو (مانند واگوش کهن خواب)
۵	ج	g	گ
۶	و	ǰ	ج غلیظ مانند لهجه‌ی اصفهانی در ادای واژگان دارای واج جیم ، مانند جوراب
۷	ع	γ	غ ، مانند غم . (با واگوش ق یکی گرفته نشود)
۸	پ	c (č)	ج
۹	چ	j (j)	چ
۱۰	ت	t	ت
۱۱	ث	θ (θ)	ث
۱۲	و	d	د
۱۳	د	δ	ذ در واگوش تازی و فارسی نو کهن
۱۴	ت	t̥	مانند صدای ت در پشتو و ث در بلوچی و واگوش tordu در فرانسوی
۱۵	پ	p	پ
۱۶	ف	f	ف
۱۷	ب	b	ب
۱۸	ک	β (w)	ف در فارسی نو آغازین ؛ مانند واگوش aber در آلمانی
۱۹	ز	ŋ	نگ ؛ مانند واگوش رنگ در فارسی ، رنک در آذری و ره‌نگ در کردی سورانی
۲۰	ک	ŋ	نگی ؛ مانند واگوش نگ به همراه ی بسیار کوتاهی است برای آسانی تلفظ
۲۱	ز	ŋ ^v	نگو ؛ مانند واگوش نگ به همراه و (بگونه تازی و w در انگلیسی)
۲۲	ن	n	ن
۲۳	ن	ñ	نی (مانند واگوش agneau در فرانسوی)
۲۴	چ	ŋ	نگ ؛ مانند واگوش نگ . گاهی در واژگان صدای /م/ را هم می‌دهد
۲۵	م	m	م
۲۶	ع	m̥	واج /m̥/
۲۷	س	y	ی (مانند یاور)
۲۸	واو	v	و (مانند واگوش «واو» در ایران)
۲۹	ر	r	ر
۳۰	ل	l	ل
۳۱	س	s	س
۳۲	ز	z	ز

ش	š	د	۳۳
ژ	ž	له	۳۴
ش کشیده پیش از «ی» (مانند واگیش liicht در لوگزامبورگی)	š̄	هه	۳۵
ش مشدد (مانند واگیش بنودل در پشتو)	ṧ	په	۳۶
ه	h	ه	۳۷

زیگ 12

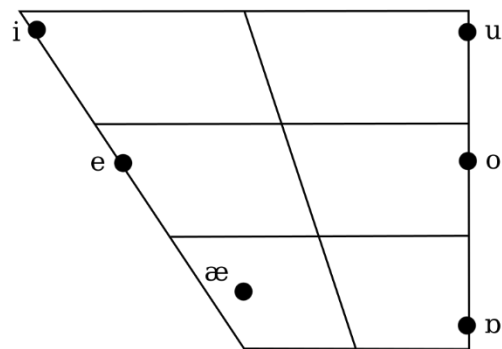
واج‌های پارسیگ:

واج‌های پیشنهادی و قراردادی زبان پارسیگ به گونه زیر هستند:

واکه‌ها:

بر پایه زبان‌شناسی؛ این زبان بایستی دارای واکه‌های زیر باشد (الفبای قراردادی به همراه واج نویسی درون کمانک‌ها (پرانته‌ها):

a (æ), ā (ɑ), e, ē (e:), o, ō (o:), i, ī (i:), u, ū (u:).



نگاره ۱

به سخن ساده‌تر در پارسیگ برای ۴ واکه؛ دو گونه‌ی کوتاه و کشیده داریم.

همخوان‌ها:

بر پایه پژوهش‌های زبان‌شناختی زبان پارسیگ دارای ۲۰ همخوان نژاده (اصیل) بوده و دو همخوان را بواسطه‌ی برهمکنش و وام‌گیری از زبان‌های همسایه ایرانی‌اش بدست آورده است. آن همخوان‌ها، واج‌های /خ/ (B) و /ز/ (3) هستند.

m, n, b, p, t, d, k, g, ʃ, č, f, s, z, š, ž, x, γ, h, r, w, l, y

چاکنایی	ملازهای	نرم‌کامی	کامی	پسا-آرچی	آرچی (لثوی)	لیبی	
-	-	-	-	-	n	m	نسانی (خیشومی)
-	-	k, g	-	-	t, d	b, p	ایستانی (انفجاری)
-	-	-	-	č(ʃ), ǰ(dʒ)	-	-	آبریند (انسایشی)

۱ واژگانی که ریشه‌ای از خود پارسیگ یا پارسی نو داشته‌اند؛ هرگز دارای واج‌های /ژ/ و /خ/ نبودند؛ بلکه به دیسه‌های /ز/ بجای /ژ/ و /گ/ بجای /خ/ بوده‌اند. برای نمونه واژه‌ی آژفنداک (آژفنداق) دیسه‌ای ایرانی از زبان‌های ایرانی باختری شمالی (شاید از پارتی) است و برابر هم‌ریشه‌ی پارسی‌اش آژفنداک است. همچنین واژه‌ی بغ (فغ) دیسه‌ی پارتی واژه‌ی پارسی بگ ابئی (هخامنشی: -baga) است. از این دست واج‌ها در فارسی نیز وجود دارد؛ برای نمونه واج /ق/ نیز وارون پنداشت برخی دوستان، ریشه‌ای ایرانی دارد و تازی نیست و از راه زبان‌های ایرانی میانه خاوری (مانند سغدی و خوارزمی) به فارسی راه یافته‌اند و یا واج /ذ/ از راه زبان‌های ایرانی میانه باختری شمالی (پارتی؛ پهلوانیگ) و خاوری (خوارزمی) به فارسی نو آغازین راه یافت ولی پس از گذر روزگاری از کاربری‌اش کاسته شد و منسوخ گشت.

h	x(χ), (γ(β))	-	-	š (š), (ž (ž))	s, z	f	سایشی
-	-	-	-	-	r	-	لرزشی
			y (j)		l	w	آفرومند (ناسوده)

فرایندهای واجی پارسیگ

هر واجی در هر زبانی، سرگذشتی دارد. برپایه همین سرگذشت است که ریشه‌های واج‌ها شناسایی و شناخته می‌شوند. فرایندهای واجی در هر زبانی ویژه همان زبان است و گویش‌ور به همان زبان ناخودآگاهانه و نادانسته از آن فرایندها برای بکارگیری واژگان بهره‌جویی می‌کند. برای نمونه در زبان فارسی واج‌های ا/ث/ (θ) و ا/ط/ (tʰ) جایگاهی ندارند و فارسی‌زبانان ناخودآگاهانه آن‌ها بترتیب اس/ (s) و ات/ (t) می‌خوانند. از این دست دگرگونی‌ها و وَرْدِش (تغییرات) در زبان‌ها چیز روا و معمولی است و اگر واژه‌ای با خاستگاه باستانی همان زبان (برای نمونه از پارسی باستان به پارسی میانه و به پارسی نو) به زبان کنونی وارد شود؛ با فرایندهایی ویژه همان زبان کنونی، به واژه‌ای واگوش‌پذیر برای همان زبان دچار دگرگونی می‌شود. در این بخش، به پاره‌ای از این فرایندها پرداخته می‌شود که کمی برای زبان‌آموزان این پدیده روشنگری شود.

پیشرفت‌های فراگیر و همگانی:

واکه‌ای‌گرایی:

a •

واج کهن /a/ بدین گونه پدید آمده است:

از ثبات:

andar «اندر، در، میان» > پارسی باستان: antar ، اوستایی: antarə

asp «اسب» (بسنجید با: پارسی باستان: asa و aspa ، اوستایی: aspa)

از دگرگونی u ایرانی باستان به a :

abar «ابر، برتر» > پارسی باستان: upairiy ، اوستایی: upairi

abāy «بایسته، بایا» > پارسی باستان: upāiiam

از دگرگونی *ha° آغازی به a :

angubēn «انگبین، عسل» > ایرانی باستان: -hangu-paina* (بسنجید با کردی: هه‌نگوین- hengwîn ، هنگف- hingiv)

از کاستن aya به a :

and «اندک، اندازه‌ای بیشتر از ۳ و کمتر از ۹» > ایرانی باستان: -auant* (بسنجید با اوستایی: auuant ، پهلوانیگ: awend)

از کاهش ā به a :

baxl, balx «بلخ» > ایرانی باستان: **bāxθrī-* (بسنجید با اوستایی: *bāxδi*, پارسی باستان: *bāxtri*)

ā •

واج کهن *ā* / بدین گونه پدید آمده است:

از ثبات:

aswār «سوار، سوارکار» > پارسی باستان: **asa-bāra-*

از دگرگونی aθa- ایرانی باستان به ā :

ā «سپس» > پارسیگ آغازین: ah > ایرانی باستان: **aθa-* (بسنجید با اوستایی: aθa)

از دگرگونی **āi-*, **āu-* میانی به ā :

wāspuhr «شاهزاده، نجیب‌زاده» > ایرانی باستان: **uāīsa-puθra-* (بسنجید با پارسی باستان: viθ-puça)

از کاستن و دگرگونی **hra-* به **ahr-* و **ār-* :

mārespand «ماراسپند، نام ایزدی» > پارسیگ آغازین: *mahrespand* > ایرانی باستان: manθra-spanta (بسنجید با اوستایی: maθraspaṇta-

از دگرگونی **āja-* و **āya-* و **āyī-* به ā :

šāh «شاه» > ایرانی باستان: **xšājaθiyah-* (بسنجید با پارسی باستان: xšāyaθiya)

žār «زمان» > ایرانی باستان: **iāuar-* (بسنجید با پهلوانیگ: yāwar)

از دگرگونی **arz-* و **ard-* و **arθ-* به -ār و -āl :

xwār/xwāl «خوراک» > ایرانی باستان: **hward-* (بسنجید با پارسی: xwālēgar «خوالیگر»)

kamāl «کله، سر (دیوی)» > ایرانی باستان: **ka-marda-* (بسنجید با اوستایی: ka-mərəða)

از دگرگونی **a-* به **ā-* :

āsmān «آسمان» > ایرانی باستان: **Haćman-* (بسنجید با پارسی باستان: asmānam «آسمان»)

-ān •

واج کهن *lān* بدین گونه پدید آمده است:

از دگرگونی **ahn-* / **agn-* ایرانی باستان به *ān* :

āwān «نشستگاه، اورنگ» > پارسیگ آغازین: *āhwahn* > ایرانی باستان: **āwāhana-* (بسنجید با پارسی باستان: *āwahana*)

nān «نان» > ایرانی میانه: **nag(a)n* > ایرانی باستان: **nāyana-* (بسنجید با پهلوانیگ: *nayn*)

i •

واج کهن *lil* بدین گونه پدید آمده است:

از ثبات:

pidar «پدر» > پارسی باستان: *pitār*

از دگرگونی **r-* ایرانی باستان (در اوستایی: **arə-*) به **ur-* / **ir-* :

amurdād «امرداد» > ایرانی باستان: **a-mrīāt-* (بسنجید با اوستایی: *amərətāt*)

dil «دل» > پارسی باستان: **drd-* > ایرانی باستان: **d̥rd-* (بسنجید با اوستایی: *zərəd*، پهلوانیگ: *zird*)

ī •

واج کهن *līl* بدین گونه پدید آمده است:

از ثبات:

zīw «زی، زیستن» > پارسی باستان: *jīw* (بسنجید با اوستایی: *jīuuā-*، پهلوانیگ: *zīw*)

گاهی دگرگونی های پیاپی (متناوبی) میان *ī* و *ā* در برخی واژگان با توجه به لهجه و گویش های آن زبان و زمان واگویش واژگان:

wīs ⇔ *wisp* «دهکده»

wisp ⇔ *wīsp* «همه»

از دگرگونی **īa-*، **iā-*، **īa-* ایرانی باستان (در اوستایی: **ya-*) به **ī-* :

any / *anī* «دیگر» > پارسی باستان: *aniya-* > ایرانی باستان: **Hanya-* (بسنجید با اوستایی: *anya-*)

māhīg «ماهی» > پارسی باستان: **māθiyakah-* > ایرانی باستان: **māsyah-* (بسنجید با اوستایی: *masiia*، پهلوانیگ: *māsīg*)

از دگرگونی **i-ya-* / **i-bara-* ایرانی باستان به **īr-* :

dibīr «دبیر، نویسنده، منشی» > پارسی باستان: *dipi-wara-*

از دگرگونی *-igr-/*agr-* ایرانی باستان به *-īr** :

tīr «تیر» > پارسیگ آغازین: *tigr/ tiγr* > پارسی باستان: *tigra* > ایرانی باستان: *-tigra** (بسنجید با اوستایی: *tiγri*)

sīr «سیر (گیاه)» > پارسیگ آغازین: *sigr* > پارسی باستان: **θigra** > ایرانی باستان: ؟

šīr/šēr «شیر (بیشه)» > پارسیگ آغازین: *šagr* > پارسی باستان: *šagra*

u •

واج کهن */u/* بدین گونه پدید آمده است:

از ثبات:

pūs «پسر» > پارسی باستان: *puça* > ایرانی باستان: *-puθrah** (بسنجید با اوستایی: *puθra*)

udrag «سمور آبی» > پارسی باستان: *-udaraka** > ایرانی باستان: *-udrah**

از دگرگونی *-a** ایرانی باستان به *-u** (پیش از همخوان‌های لی):

fradum «نخست» > پارسی باستان: *-fra-tama-* (بسنجید با اوستایی: *fratəma*)

mag / mowbed «مغ، موبد» > پارسی باستان: *magušpat/ maguš* (بسنجید با اوستایی: *maga / moyu*)

از دگرگونی *-ui** ایرانی باستان به *-gu**:

gugāy «گواه» > ایرانی باستان: *-ui-kauja** (بسنجید با پهلوانیگ: *wigāh*)

gumān «گمان» > ایرانی باستان: *-ui-mana** (بسنجید با اوستایی: *vīmanōhīm*)

ū •

واج کهن */ū/* بدین گونه پدید آمده است:

از ثبات:

būm «پسر» > پارسی باستان: *būmiš* > ایرانی باستان: *-būmi** (بسنجید با سنسکریت: *bhūmi*)

zūr «زور، دروغ» > پارسی باستان: *zūra^h* > ایرانی باستان: *-zurah-/*zūrah** (بسنجید با اوستایی: *zura*)

از دگرگونی *-uka-/*ukā-* ایرانی باستان به *-ūg**:

bāzūg «بازو» > پارسی باستان: *bāzu-* (بسنجید با اوستایی: *bāzvō*)

ǰādūg «جادو» > پارسی باستان: *yātu* (بسنجید با اوستایی: *yātu*)

از دگرگونی **uua-* ایرانی باستان به **ū-*:

xūb «خوب» > ایرانی باستان: **huua-apa-* (بسنجید با اوستایی: *huuāpah*)

ē •

واج کهن *lē* بدین گونه پدید آمده است:

از دگرش **ai-* ایرانی باستان:

wēn- «بین- (ستاک کنون کارواژه دیدن)» > پارسی باستان: *waina* > ایرانی باستان: **uaina-* (بسنجید با اوستایی: *vaēna*)

hēn/xēn «ارتش، سپاه» > پارسی باستان: *hainā-* > ایرانی باستان: **hainā-* (بسنجید با اوستایی: *haēnā*)

از دگرگونی **aijanaia-* ایرانی باستان به **-ēn-*:

pāsoxēn «پاسخیدن، پاسخ دادن» > ایرانی باستان: **pati-sanh-aijanaia-*

از دگرگونی **xša-* ایرانی باستان به **xšē-*:

padixšēr «سند» > ایرانی باستان: **paiti-xšatra-* (بسنجید با ارمنی: *pātšīr*)

ō •

واج کهن *lō* بدین گونه پدید آمده است:

از دگرش **au-* ایرانی باستان:

gōš «گوش» > پارسی باستان: *gauša* > ایرانی باستان: **gaušah-* (بسنجید با اوستایی: *gaoša*)

rōšn «روشن» > پارسی باستان: **rauxšna-* > ایرانی باستان: **rauxšnaH-* (بسنجید با اوستایی: *raoxšna*)

از دگرگونی **aua-* ایرانی باستان به **ō-*:

frōd «فرود» > پارسی باستان: *frawata* > ایرانی باستان: **frawata-*

همخوانی گرای:

بیشتر همخوان‌های ایرانی باستان و پارسی باستان به زبان پارسیگ راه یافته‌اند؛ مگر واج‌های θ، ϕ و δ (از زبان‌های دیگر ایرانی) که در پارسیگ به دیسه‌های گوناگونی بنا بر چینش و جایگیری در کنار واژه‌ها؛ دگرش آوایی یافته‌اند. برای نمونه واژه پهلوی (*pahlaw*) از دگرش واجی واژه پارسی باستان پَرَثَوَ (*parθawa*) پدید آمده است که واج *ا/ث* به *ا/د* دگرش و واج *ا/ر* به *ا/ل* بطور وارونه با همخوان پیشین خود جایگیر شده‌اند.

بن‌مایه‌ها و سرچشمه‌های نوشتار

- زبان پهلوی، ادبیات و دستور؛ آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد؛ انتشارات معین؛ چاپ هشتم (۱۳۹۲)؛ تهران
- راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)؛ رضایی باغ‌بیدی، حسن؛ انتشارات ققنوس؛ چاپ سوم (۱۳۹۴)؛ تهران
- دستور زبان تاریخی زبان فارسی؛ ابولقاسمی، محسن؛ انتشارات سَمَت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)؛ چاپ نهم (۱۳۹۲)؛ تهران
- فارسی باستان، دستور زبان، متون، واژه‌نامه؛ کنت، رولاندگ؛ ترجمه سعید عریان؛ انتشارات علمی؛ چاپ اول (۱۳۹۱)؛ تهران
- Pārsīg phonology, Asha Raham. on line:
www.parsig.org/uploads/2/3/2/8/2328777/phonology.pdf
- A Concise Pahlavi Dictionary, Mac Kenzie D. N.; Oxford University press; 3th (1986); New York